

Article Type: Research paper

Population policies in the national balance of power of the Islamic Republic of Iran

*Kaveh Farhadi¹, Seyed Jalal Dehghani Firouzabadi², Samad Ghaempanah³

1. Professor Department of International Relations, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Department of International Relations, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

3. Department of Political Science, Takestan Branch, Islamic Azad University, Takestan, Iran.

Article Info.

Received: 17/7/2025

Accepted: 5/9/2025

Available Online: 11/9/2025

Keywords:

Population Policies; National Power; Iran; Demographic Governance; Spatial Planning

* Corresponding Author:

Dr. Kaveh Farhadi

Address: Professor
Department of International Relations, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

E-mail:

dehghani@atu.ac.ir

Abstract

This study examines the impact of the population policies of the Islamic Republic of Iran on the state of the national balance of power, focusing on the role of strategic factors. The importance of this issue is that population changes, especially in the age structure and distribution of the population, can have significant direct and indirect consequences on national power and the country's position in the international system. The research method is mixed (qualitative-quantitative) and the statistical population includes elites and experts in the field of political science, especially university professors. In the qualitative section, by conducting semi-structured interviews and content analysis, 82 initial themes were extracted, which were divided into 9 organizing themes after coding, including political, managerial, economic, educational, cultural and social, health and environmental, geographical and demographic requirements. Also, four main overarching themes were identified, including managerial and political, economic, educational-cultural-social and health-environmental, and geographical-demographic requirements. In the quantitative part, a questionnaire was designed and the model fit was examined using structural equation modeling with the PLS approach. The results showed that geographical and demographic requirements have an impact coefficient of 0.615 on political, economic and social requirements, and managerial, political and economic requirements have the greatest impact (0.662) on the state of the national power balance. The findings show that population policies can be significantly effective in promoting Iran's national power.

How to Site:

Farhadi, Kaveh and Jalal Dehghani Firouzabadi, Seyed Jalal and Ghaempanah, Samad. (2025). The Effect of Population Policies on the National Balance of Power of the Islamic Republic of Iran. *Fundamental and Applied Studies of the Islamic World*, 7(2), 136-164.



Authors retain the copyright and full publishing rights.

Published by Iranian Association of Geopolitics. This article is an open access article licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

تأثیر سیاست‌های جمعیتی در وضعیت تراز قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران

* کاوه فرهادی^۱، سیدجلال دهقانی فیروزآبادی^۲، صمد قائم پناه^۳

۱. استاد گروه روابط بین الملل، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. گروه روابط بین الملل، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۳. گروه علوم سیاسی، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، تاکستان، ایران.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۲۶ تیر ۱۴۰۴
تاریخ پذیرش: ۱۴ شهریور ۱۴۰۴
تاریخ انتشار: ۲۰ شهریور ۱۴۰۴

چکیده

این پژوهش تأثیر سیاست‌های جمعیتی جمهوری اسلامی ایران در وضعیت تراز قدرت ملی با تمرکز بر نقش عوامل راهبردی را بررسی می‌کند. اهمیت این موضوع از آن جهت است که تغییرات جمعیتی، به‌ویژه در ساختار سنی و توزیع جمعیت، می‌تواند پیامدهای مستقیم و غیرمستقیم قابل توجهی برای توان ملی و جایگاه کشور در نظام بین‌الملل داشته باشد. روش تحقیق ترکیبی (کیفی - کمی) بوده و جامعه آماری شامل نخبگان و متخصصان حوزه علوم سیاسی به‌ویژه اساتید دانشگاهی است. در بخش کیفی، با انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و تحلیل مضمون، ۸۲ مضمون اولیه استخراج شد که پس از کدگذاری به ۹ مضمون سازمان‌دهنده شامل الزامات سیاسی، مدیریتی، اقتصادی، آموزشی، فرهنگی و اجتماعی، بهداشتی و زیست‌محیطی، جغرافیایی و جمعیت‌شناختی تقسیم شدند. همچنین چهار مضمون فراگیر اصلی شامل الزامات مدیریتی و سیاسی، اقتصادی، آموزشی - فرهنگی - اجتماعی و بهداشتی - زیست‌محیطی و جغرافیایی - جمعیت‌شناختی شناسایی شدند. در بخش کمی، پرسشنامه طراحی و با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری با رویکرد PLS، برازش مدل بررسی شد. نتایج نشان داد که الزامات جغرافیایی و جمعیت‌شناختی با ضریب تأثیر ۰.۶۱۵ در الزامات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تأثیرگذار است و الزامات مدیریتی، سیاسی و اقتصادی بیشترین تأثیر (۰.۶۶۲) را در وضعیت تراز قدرت ملی دارند. یافته‌ها نشان می‌دهد سیاست‌های جمعیتی می‌توانند به‌طور معناداری در ارتقای قدرت ملی ایران مؤثر باشند.

کلیدواژه‌ها:

سیاست‌های جمعیت،
تراز قدرت ملی، الزامات
مدیریتی، الزامات
جغرافیایی.

* نویسنده مسئول:

دکتر کاوه فرهادی

نشانی: استاد گروه روابط بین
الملل، واحد علوم و تحقیقات،
دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
پست الکترونیک:
dehghani@atu.ac.ir

استناد به این مقاله:

فرهادی، کاوه و دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و قائم‌پناه، صمد. (۱۴۰۴). تأثیر سیاست‌های جمعیتی در وضعیت تراز قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران. مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، ۷(۲)، ۱۳۶-۱۶۴.

۱. مقدمه

در یک نظام سیاسی، حفظ موجودیت و تأمین اهداف و منافع ملی با بهره‌گیری از منابع قدرت امکان‌پذیر است. افزایش جمعیت می‌تواند به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابع محسوس حکومت‌ها، قدرت نظامی، توان تکنولوژیک و ارتقای امنیت را معنا ببخشد. با توجه به شرایط ژئوپولیتیک جمهوری اسلامی ایران، کاهش جمعیت آسیب‌های جدی و متعددی به همراه خواهد داشت که یکی از این آسیب‌ها، مسئله امنیتی است.

شرایط ژئوپولیتیک ایران ایجاب می‌کند که همیشه تعادلی از جمعیت در مناطق مختلف جغرافیای ایران توزیع شده باشد که البته افزایش جمعیت، مسئولیت و تکلیف‌های دولت را سنگین‌تر می‌کند. بدون وجود جمعیتی کیفی، تداوم فعالیت‌های علمی و تولیدات صنعتی و کشاورزی لازم برای اداره موفقیت‌آمیز جامعه غیرممکن است. در واقع افزایش جمعیت با معیار کیفی بودن می‌تواند برای کشور ارزش افزوده‌ای پایدار ایجاد کند، مسئولیت‌پذیری دولت در موضوعات آموزشی، بهداشتی، مهارتی و فناوری می‌تواند شاخص کیفی بودن جمعیت را ارتقا ببخشد. اگر بهره‌گیری از سیاست‌های حمایتی توسط دولت به معنای واقعی کلمه از بعد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در جامعه پیاده‌سازی شود، شاهد افزایش اعتماد مردم به حاکمیت خواهیم بود. مقبولیت عمومی و سلامت عملکرد و مردمی شدن دولت در گرو افزایش کیفیت مدیران و رهبران سیاسی است.

در دکترین دفاعی و امنیتی دولت‌ها، ترکیب و توزیع جمعیت کمی و کیفی با شاخص‌های مربوط به آن می‌تواند به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین عوامل تقویت تراز قدرت ملی به حساب بیاید. امروزه بحث افزایش جمعیت از چهارچوب سنتی خود عبور کرده و اهمیت جمعیت آموزش‌دیده و باکیفیت بیشتر مورد توجه قرار گرفته است، زیرا جمعیت باکیفیت می‌تواند با اثرات مثبتی که در چرخه صنعت، تولید، اقتصاد، فرهنگ و سیاست دارد، توان افزایش قدرت اقتصادی، نظامی و فرهنگی را نیز رقم بزند. بهره‌برداری از منابع مادی با محوریت نیروی انسانی متخصص و آموزش‌دیده علاوه بر اینکه مسیر رسیدن به توسعه پایدار را هموارتر می‌کند، می‌تواند اقتدار عقلایی را نیز به وجود آورد که در لوای آن رشد اقتصادی، توسعه اجتماعی، سیاسی و ثروت واقعی تولید خواهد شد بنابراین پرجمعیت بودن یک کشور می‌تواند تراز قدرت ملی آن کشور را افزایش دهد.

از سوی دیگر، در خصوص نسبت سیاست‌های جمعیتی با قدرت ملی لازم است به نقش سیاست‌های جمعیتی در قدرت ملی توجه کرد. جان لاک قدرت سیاسی را به‌عنوان حق اعمال قدرت در جهت منافع عامه می‌داند (Hindess, 2001) هیچ کشوری نمی‌تواند بدون به کار بردن درجاتی از قدرت، منافع ملی خود را تأمین کند بنابراین تراز قدرت در سیاست به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن قدرت بین دو یا چند بازیگر تقریباً مساوی تقسیم شده است (Khan-jani & Karegar, 2023). این تعادل می‌تواند به ثبات و صلح در روابط بین‌الملل کمک کند، زیرا هیچ‌یک از طرفین نمی‌تواند بر دیگری غلبه کند. مفهوم تراز قدرت ریشه در یونان باستان دارد. توسیدید، مورخ یونانی، در کتاب تاریخ جنگ پلوپونزی، استدلال می‌کند که جنگ بین آتن و اسپارت به دلیل تراز قدرت بین این دو شهر - دولت رخ داده است (Nodeh Farahani, et al., 2013). هانس مورگنتا، نظریه‌پرداز روابط بین‌الملل، در کتاب سیاست در میان ملت‌ها، تراز قدرت را به‌عنوان یکی از اصول اصلی سیاست خارجی می‌داند (Nijatian, 2022).

الهی و دیگران (2024) رابطه جمعیت و قدرت ملی در جمهوری اسلامی ایران (با تأکید بر آموزه‌های دینی) را بررسی کرده‌اند. نتایج نشان داد که ایران در شرایط نوینی از تجارب جمعیتی و متغیرهای مربوط به آن است که می‌تواند در برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت آن تأثیری مثبت بگذارد.

اسلامی و فرخاری (2023) چرخه سیاست‌گذاری افزایش جمعیت در جمهوری اسلامی ایران با تمرکز بر دوره چهارم سیاست‌های جمعیتی را بررسی کرده‌اند. نتایج تحقیق نشان داده طرح جوانی جمعیت با توجه به انباشت مسائل موجود در حوزه اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی در جمهوری اسلامی، همچنان اولویتی برای ورود به سیستم ندارد.

علینی (2015) نقش جمعیت و سیاست‌های جمعیتی در استحکام ساخت درونی قدرت نظام جمهوری اسلامی ایران را بررسی کرده است.

بیردسال و دیگران (2023) مسائل جمعیتی، تغییرات جمعیتی، رشد اقتصادی و فقر در کشورهای در حال توسعه را بررسی کرده‌اند. در این مطالعه همچنین تأثیر تغییرات جمعیتی در رشد اقتصادی و فقر در کشورهای در حال توسعه بررسی شده است.

حکومت ایران از گذشته تاکنون براساس تراکم جمعیت، مساحت، اقلیم و شرایط خاص ژئوپولیتیکی با حدود ۸۷۵۵ کیلومتر مرز خشکی و آبی در پهنه ۱۶ استان مرزی با ۱۵ کشور

مرز مشترک خشکی و دریایی دارد که با لحاظ کردن موقعیت سوق الجیشی جغرافیای ایران به این نتیجه رسیدیم که علم روابط بین الملل می‌تواند با ارائه راهکارهای متقن و توجیه‌پذیر، الگوی مناسبی را برای افزایش جمعیت کیفی و ایجاد ارزش افزوده در راستای سیاست‌های اقتدارآفرین و ایجاد امنیت پایدار ارائه دهد، اما در تحقیقات پیشین تاکنون تأثیر سیاست‌های جمعیتی در وضعیت تراز قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران بررسی نشده و انجام نشدن چنین مطالعاتی موجب می‌شود سیاست‌های مطلوب برای رسیدن به وضعیت مطلوب تراز قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران شناسایی و اتخاذ نشود و از ضرورت تأثیر سیاست‌های جمعیتی در وضعیت تراز قدرت ملی غفلت شود، در صورتی که سیاست‌های جمعیتی می‌تواند نقش بسیار مهمی در افزایش تراز قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران داشته باشد بنابراین ضرورت داشت در تحقیق حاضر تأثیر سیاست‌های جمعیتی در وضعیت تراز قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران بررسی شود. در این پژوهش تلاش می‌شود تا با ارائه رویکردهای نوآورانه و جنبه‌های جدیدی از موضوع، مسائل مهم و پیچیده‌تر برای بررسی و تحلیل ارائه شود و با تجدیدنظر در رویکردها، استفاده از داده‌های نو، مدل‌سازی جدید، استفاده از روش‌های پژوهش نوین و پیشنهاد راهکارهای کاربردی نوآوری در پژوهش ایجاد شود.

۲. پیشینه تحقیق و ادبیات نظری

۲-۱. پیشینه پژوهش

دالتون (۲۰۲۴) در مطالعه‌ای سیاست‌های شهروندی، افکار عمومی و نقش جمعیت در تقویت قدرت ملی در دموکراسی‌های صنعتی پیشرفته را تحلیل کرده است. وی با تمرکز بر سیاست‌های جذب شهروندان کشورهای جهان سوم به آلمان نشان می‌دهد که این سیاست‌ها چگونه می‌توانند در قدرت ملی کشور میزبان تأثیرگذار باشند. این پژوهش اهمیت سیاست‌های جمعیتی در ساختار قدرت کشورهای توسعه‌یافته را برجسته می‌کند و زمینه‌ای برای بررسی سیاست‌های مشابه در دیگر کشورها فراهم می‌کند.

در ایران، الهی و همکاران (۲۰۲۴) با بهره‌گیری از نظریه‌های مکتب کپنهاگ و رویکرد تلفیقی، رابطه جمعیت و قدرت ملی را با تأکید بر آموزه‌های دینی بررسی کرده‌اند. یافته‌های آنان نشان می‌دهد که افزایش جمعیت می‌تواند به‌عنوان یک سرمایه اجتماعی و عامل تقویت قدرت ملی در ایران مطرح شود؛ البته این موضوع مستلزم نگاه دقیق و علمی متصدیان امنیتی

و سیاسی کشور است. این مطالعه ضمن پرداختن به شرایط نوین جمعیتی ایران، بر اهمیت به‌کارگیری داده‌های جمعیتی در حوزه امنیت ملی تأکید دارد.

از سوی دیگر، اسلامی و فرخاری (۲۰۲۳) چرخه سیاست‌گذاری افزایش جمعیت در ایران را واکاوی کرده‌اند و با استفاده از نظریه سیستمی، ناکارآمدی سیاست‌های تشویقی فعلی را، که به دلیل کمبود ابزارهای موثر و نقض حقوق شهروندی نتایج مطلوبی به همراه نداشته، برجسته کرده‌اند. این پژوهش نقاط ضعف موجود در سیاست‌های جمعیتی ایران را با رویکردی نظام‌مند تحلیل می‌کند و لزوم بازنگری اساسی در این سیاست‌ها را یادآور می‌شود.

در زمینه مطالعات بین‌المللی، بیردسال و همکاران (۲۰۲۳) رابطه تغییرات جمعیتی، رشد اقتصادی و فقر در کشورهای در حال توسعه را بررسی کرده‌اند. هرچند این پژوهش به تحلیل داده‌های آماری گسترده می‌پردازد، اما توجهی خاص به ارتباط سیاست‌های جمعیتی با تراز قدرت ملی ندارد.

همچنین، نای و گلداسمیت (۲۰۱۱) در کتاب «آینده قدرت» به نقش متنوع جمعیت و تحولات آن در توانمندی کشورها اشاره می‌کنند و بر اهمیت عوامل جمعیتی در عرصه قدرت سیاسی و اقتصادی تأکید می‌کنند.

وجه تمایز تحقیق حاضر در این است که برخلاف مطالعات پیشین که عمدتاً به جنبه‌های محدود یا کلی سیاست‌های جمعیتی و ارتباط آن با قدرت ملی پرداخته‌اند، این پژوهش با رویکردی جامع و تلفیقی، سیاست‌های جمعیتی ایران را در تراز قدرت ملی بررسی دقیق و بومی می‌کند. همچنین بسیاری از پژوهش‌های پیشین به دلیل اتکا به داده‌های ناقص، نادیده گرفتن ابعاد مختلف موضوع و ارائه راهکارهای ناکارآمد نتوانسته‌اند پاسخی جامع به نیازهای کنونی ایران ارائه دهند. این خلأ در مطالعات موجب پیچیدگی و ضرورت انجام تحقیق حاضر شده است که با تکیه بر مبانی نظری دقیق و داده‌های به‌روز قصد دارد به تحلیل جامع و کاربردی در این حوزه دست یابد.

۲-۲. چهارچوب نظری

۲-۲-۱. ناتالیسم (Pronatalism)

ناتالیسم (یا پروناتالیسم) نوعی باور و ایدئولوژی است که تولید مثل انسان را به‌عنوان هدف مهم انسان بودن ترویج می‌کند (McKeown, 2: 2014). این اصطلاح از صفت لاتین "natalis"

به معنای «تولد، زایشی» گرفته شده است. ناتالیسم بارداری و والد شدن را به دلایل اجتماعی و برای تضمین تداوم بشریت ترویج می‌کند. سیاست‌گذاری‌های ناتالیستی معمولاً به دنبال ایجاد انگیزه‌های مالی و اجتماعی برای تولید مثل هستند، مانند ارائه مشوق‌های مالیاتی که به داشتن و حمایت از کودکان پاداش می‌دهد و تفسیرهای سخت‌گیرانه ممکن است به دنبال محدود کردن دسترسی به سقط جنین و پیشگیری از بارداری باشد (sahebizi, et al., 2024).

تمایل به بچه‌دار شدن یک عامل باروری بسیار مهم است، اما افراد بدون فرزندی که قصد دارند بلافاصله یا در عرض دو یا سه سال بچه‌دار شوند، معمولاً نسبت به کسانی که قصد دارند در درازمدت بچه‌دار شوند، در فرزندآوری موفق‌تر هستند (Wolf, 2023).

عوامل تعیین‌کننده زیادی برای قصد بچه‌دار شدن وجود دارد، از جمله:

- **ترجیح مادر به اندازه خانواده** که در فرزندان از کودکی تا اوایل بزرگسالی تأثیر می‌گذارد. به همین ترتیب، خانواده در مقاصد باروری تأثیر می‌گذارد، افزایش تعداد برادرزاده‌ها و خواهرزاده‌ها، تعداد ترجیحی فرزندان را افزایش می‌دهد.
- **فشار اجتماعی** از جانب خویشاوندان و دوستان برای داشتن فرزند دیگر.
- **حمایت اجتماعی**، با این حال، یک مطالعه از آلمان غربی به این نتیجه رسیده است که هم مردانی که اصلاً حمایت نمی‌شوند و هم مردانی که از افراد مختلف حمایت می‌شوند، احتمال کمتری برای داشتن فرزند دیگری دارند که احتمالاً مربوط به وجود مشکلات هم‌پایه است (Wolf, 2023).
- **خوشبختی**: افراد شاد تمایل به بچه‌های بیشتری دارند.
- **وضعیت مسکن امن** (Rajaraman, et al., 2022).

برخی از مناطق سیاست‌های ناتالیسم را برای جلوگیری از کاهش جمعیت یا افزایش رشد جمعیت اتخاذ می‌کنند. اولین نمونه شناخته‌شده سیاست طرفدار ناتالیسم، قانون ازدواج امپراتور آگوستوس است که هدف آن تشویق رشد جمعیت در امپراتوری روم بود.

امپراتور کنستانتین بزرگ در قرن چهارم میلادی نیز همین هدف را دنبال می‌کرد. او

کمک هزینه اولاد را به والدین فقیر اجرا کرد و حق سنتی پدر رومی برای کشتن کودکان ناخواسته را لغو کرد. پدران کلیسا آگوستین و جروم نه تنها سقط جنین را محکوم کردند، بلکه پیشگیری از بارداری را نیز محکوم کردند که به عنوان «سقط جنین» طبقه بندی شد. با وجود این، هم پیشگیری و هم سقط جنین در اروپای قرون وسطی رواج داشتند. کاربرد این دو تنها در اوایل دوره مدرن تغییر کرد؛ زمانی که افزایش جمعیت در اروپا به هدف سیاست دولت تبدیل شد. در این زمان سقط جنین و حتی گسترش دانش در مورد پیشگیری از بارداری جرم انگاری شد. در نتیجه این سیاست‌ها، جمعیت سفیدپوست اروپا و آمریکا در طول صد سال، از سال ۱۷۵۰ تا ۱۸۵۰، بیش از دو برابر شد، در حالی که جمعیت آفریقا در این دوره راکد مانده بود. در آفریقا قبل از اینکه طب غربی مرگومیر را کاهش دهد، کار میسیونرهای مسیحی و تقاضای حاکمان استعماری برای تأمین کارگران، جایگزین روش‌های پیشین کنترل تولد و باعث رشد جمعیت در آفریقا شده بود (Rezazadeh jalali, 2014).

در یک سوم پایانی قرن نوزدهم، جمعیت آلمان و بریتانیا به سرعت رشد کرد، در حالی که در فرانسه جمعیت راکد بود. در پایان قرن نوزدهم «جنبش ناتالیسم» در فرانسه به وجود آمد و سازمان «اتحاد ملی برای کاهش جمعیت»، که علیه کاهش جمعیت فعالیت می‌کرد، در سال ۱۸۹۶ در این کشور تأسیس شد. فعال‌ترین تبلیغ‌نویس آن «فرناند بوورات» (۱۸۸۵-۱۹۶۲)، وارث یک تاجر ثروتمند پارسی بود که در سال ۱۹۱۴ به عنوان دبیرکل اتحاد ملی در مقابل کاهش جمعیت منصوب شد. در سال ۱۹۱۳، کتاب «Paternité et Patriotisme» (تقریباً «شور و پدری میهنی») را منتشر کرد که در آن اشاره کرده بود نرخ زادوولد آلمان بسیار بالاتر از فرانسه است، در نتیجه آلمان قادر خواهد بود سربازان بیشتری را برای مدت طولانی به میدان بفرستد. «انتقام» مورد انتظار، یعنی بازپس‌گیری مناطق واگذار شده به آلمان پس از جنگ فرانسه و پروس ۱۸۷۱، بدون افزایش نرخ زادوولد راه درازی خواهد بود. پس از آن بوورات به عضویت «شورای عالی تولد»، هیئت مشاوره ایالتی برای ترویج تولد درآمد. تحت تأثیر تعداد وحشتناک قربانیان در جنگ جهانی اول و تحت تأثیر جنبش ناتالیسم، قانونی در سال ۱۹۲۰ تصویب شد که تکمیل‌کننده و در برخی موارد تشدیدکننده مقررات مربوط به مجازات سقط جنین قوانین قدیمی‌تر بود. این حکم برای دست داشتن در سقط جنین از شش ماه تا سه سال زندان پیش‌بینی کرده بود. اقداماتی که در آن زمان برای تشویق ولادت انجام شد، مهم‌تر و مؤثرتر از مقررات کیفی بود (Manos, et al. 2023).

برخی کشورها با کاهش جمعیت به مردم مشوق‌هایی برای داشتن خانواده‌های پرجمعیت به‌عنوان وسیله‌ای برای کاهش جمعیت ارائه می‌دهند. مشوق‌ها ممکن است شامل یک‌بار پاداش نوزاد یا پرداخت‌های مداوم حمایت از فرزندآوری یا کاهش مالیات باشد. برخی جریمه‌ها یا مالیات بر بی‌فرزندگی را برای کسانی که فرزندان کمتری دارند اعمال می‌کنند. برخی کشورها مانند ژاپن، سنگاپور، کره جنوبی و تایوان سیاست‌های ناتالیسم مداخله‌گرایانه را اجرا کرده یا تلاش کرده‌اند مشوق‌هایی را برای خانواده‌های بزرگ‌تر در میان سهامداران بومی در نظر بگیرند. مهاجران عموماً بخشی از سیاست‌های ناتالیسم نیستند (Banerjee, 2023).

۲-۱-۲. آنتی ناتالیسم (Antinatalism)

در مقابل نظریات ناتالیسم، آنتی ناتالیسم قرار دارد. آنتی ناتالیسم یا تولدستیزی (یا ضدیت با فرزندآوری) یک دیدگاه فلسفی است که به تولید مثل بار منفی می‌دهد. تولدستیزان معتقد هستند که تولید مثل و آوردن انسان جدیدی به این دنیای پر از فقر و رنج و بیماری و جنگ و کشتار، کاری اشتباه است. از زمان‌های گذشته، در کتاب‌ها و نوشته‌ها، بنیادهای فلسفی متفاوتی برای اثبات غیراخلاقی بودن تولید مثل ارائه شده است (Wolf, 2023).

• **آرتور شوپنهاور:** بر این باور بود که جهان توسط یک میل به زندگی هدایت می‌شود: یک نیروی کور و غیرمنطقی که از طریق خواستن‌ها ظاهر می‌شود و به‌طور مداوم به دنبال متجلی شدن است و هیچ‌گاه از تجلی خود راضی نیست که این امر منجر به زجر کشیدن می‌شود. عالم وجود از درد و زجر پر شده است. در دنیا درد بیشتر از لذت وجود دارد. لذت و شادی هزاران نفر نمی‌تواند جبران غم و اندوه و عذاب یک نفر را بکند و با در نظر گرفتن تمام مسائل، بهتر بود که زندگی هیچ‌گاه اتفاق نمی‌افتاد. عصاره رفتار اخلاقی، ترحم و رد میل به زندگی است که شامل غلبه بر خواسته‌های انسان از طریق ریاضت است. زمانی که انسان میل به زندگی را کنار بزند، قرار دادن یک انسان در دنیا امری غیرضروری و بی‌معناست و از لحاظ اخلاقی جای شک دارد (Sahebizi et al., 2024).

• **پیتر وسل زاپف:** به انسان به‌عنوان یک تناقض بیولوژیکی نگاه می‌کرد. خودآگاه در انسان‌ها بیش از حد تکامل یافته است، در نتیجه قابلیت عملکرد معمول مانند دیگر حیوانات را در انسان از بین برده است: ادراک به ما بیش از حدی که بتوانیم تحمل کنیم اطلاعات داده است. ما می‌خواهیم که زندگی کنیم، اما به دلیل نحوه تکامل خود، تنها گونه‌ای از حیوانات

هستیم که از مرگ و پایان خود آگاه است. ما قادر به بررسی گذشته و انتظارات آینده هستیم، هم برای شرایط خود و هم دیگران. ما به دنبال عدالت و معنا در دنیایی هستیم که هیچ‌کدام از این دو را ندارد. این امر تضمین می‌کند که زندگی افراد غم‌انگیز باشد. ما خواسته‌ها و نیازهای روانی‌ای داریم که واقعیت قادر به ارضای آن‌ها نیست و گونه انسان تنها به دلیل محدود کردن آگاهی خود قادر به زندگی کردن است. وجود انسان‌ها وابسته به سیستمی درهم‌تنیده از مکانیسم‌های دفاعی است که در فرد و جامعه و در رفتار همه افراد قابل مشاهده است. براساس دیدگاه زاپف، انسان‌ها باید بر این فریب نفس غلبه کنند، در نتیجه به وجود آن به شکل انفعالی پایان دهند، به این معنا که زندگی‌هایی را که در حال حاضر وجود دارد، به پایان ببرند و از تولید مثل خودداری کنند، در نتیجه جلو ایجاد زندگی‌های جدید را بگیرند (Rezazadeh Jalali, 2014).

• **جولیو کابرا:** ایده اخلاق منفی را مطرح می‌کند: اخلاقی که مخالف با اخلاق تصدیقی است که وجود را تصدیق می‌کند. او تولید مثل را یک نوع دخالت می‌داند، فرستادن یک انسان به شرایط دردناک و خطرناک، که در آن لذت‌ها و ارزش‌های مثبت واکنشی هستند، جایی که انسان به‌طور مداوم در خطر بیماری، آسیب، بدبختی‌های دیگر و مرگ است (همچنین شرایطی که شامل درد بسیار شدیدی است که کاملاً به دور از شرایط عملکرد انسانی است)، جایی که از لحظه آغاز زندگی، فرد تحت تاثیر یک فرایند از هم پاشیدن است که به مرگ او ختم می‌شود. کابرا استدلال می‌کند که زمانی که ما به جای آن انسان (که به دنیا می‌آوریم) تصمیم می‌گیریم که او را به دنیا بیاوریم، موافقت آن انسان را در دست نداریم و باید به این ایده که آن فرد شاید ترجیح بدهد که به دور از مرگ و درد هرگز به دنیا نیاید احترام بگذاریم. جرالدر هریسون و جولیا تر نیز کتابی راجع به نداشتن رضایت فرد نوشته‌اند و استدلال کرده‌اند که ما هیچ حق اخلاقی‌ای نداریم که زندگی دیگران را بدون رضایت آن‌ها تحت تاثیر قرار دهیم (Rajaraman et al., 2022).

جولیو کابرا، دیوید بناتار و کریم اکرم‌ها همگی استدلال می‌کنند که تولید مثل در تناقض با قاعده عملی کانت است (طبق نظر کانت، یک انسان نباید به‌عنوان ابزاری برای یک هدف به کار رود، بلکه باید به خودی خود به‌عنوان یک هدف در نظر گرفته شود). آن‌ها استدلال می‌کنند که یک فرد ممکن است به خاطر پدر و مادر یا دیگر افراد به وجود آید، اما غیرممکن است که یک نفر را به خاطر خود او به دنیا بیاورد، در نتیجه با استفاده از

نصیحت کانت، نباید افراد جدید ایجاد کنیم. کابرا را معتقد است که تولید مثل مثال کاملی از دخالت است، زیرا فرد متولد شده هیچ فرصتی برای دفاع از خود و جلوگیری از این عمل ندارد (Manos et al., 2023).

در نظریات واقع‌گرایی، برخی از تولدستیزان باور دارند که اکثر افراد واقعیت را به‌دقت بررسی نمی‌کنند که تمایل به داشتن فرزند را تحت تأثیر قرار می‌دهد. پیتر وسل زاپف چهار مکانیسم پس‌زدن را معرفی می‌کند که ما خودآگاه یا ناخودآگاه از آن‌ها برای محدود کردن خودآگاه خود از زندگی و جهان استفاده می‌کنیم:

• **انزوا (Isolation):** کنار زدن افکار و احساسات منفی مربوط به حقایق تلخ زندگی از خودآگاه خود یا دیگران.

• **لنگر (Anchoring):** ایجاد و استفاده از ارزش‌های شخصی مانند پدر و مادر، خانه، خیابان، مدرسه، خدا، کلیسا، کشور، اخلاق، قوانین زندگی، آینده، افراد، مادیات و غیره که اتصال ما به واقعیت را تضمین کند.

• **بی‌توجهی (Distraction):** تغییر تمرکز روی شرایط جدید برای فرار از شرایط و ایده‌هایی که مضر یا ناخواسته‌اند.

• **تصعید یا الایش (Sublimation):** تغییر بخش‌های دردناک زندگی به چیزی سازنده و با ارزش، معمولاً از طریق روبه‌رو شدن مستقیم برای تزکیه نفس (Rezazadeh Jalali, 2014).

۲-۳. جنبه نوآوری پژوهش

این تحقیق به‌صورت یکپارچه و تلفیقی، عوامل متعدد تأثیرگذار در اجرای سیاست‌های جمعیتی در ایران را از دیدگاه سیاست‌گذاران، مجریان و ذینفعان تحلیل می‌کند، درحالی‌که اغلب مطالعات پیشین بیشتر به جنبه‌های نظری یا تحلیل‌های تک‌بعدی پرداخته‌اند (Abdali, 2019; Nourbakhsh, 2020).

همچنین با بهره‌گیری از جدیدترین سیاست‌های کلی جمعیت ابلاغ‌شده در ایران و اسناد بالادستی مرتبط، شرایط خاص و مختص ایران را در بافت تاریخی و فرهنگی کشور بررسی می‌کند و به تبعیت از سبک زندگی اسلامی-ایرانی و چالش‌های اقتصادی، اجتماعی و بوروکراتیک تأکید

ویژه دارد (Haghshenas, 2012; Khanjani & Kargar, 2023). این رویکرد باعث می‌شود تحلیل‌ها و راهکارهای ارائه‌شده، منطبق با واقعیت‌های بومی و معاصر کشور باشد؛ امری که در برخی مطالعات بین‌المللی کمتر مورد توجه قرار گرفته است (Tanha, 2022).

تحقیق حاضر نقش انگیزه و توانمندی مجریان سیاست در موفقیت یا شکست اجرای خط‌مشی‌ها را بررسی می‌کند؛ موضوعی که کمتر به شکل مستقیم و با عمق کافی در مطالعات قبلی تحلیل شده است (Abdali, 2019). توجه به نقش فعال و انتخابگر مجریان در تعیین شکل نهایی سیاست‌ها، نسبت به رویکردهای صرفاً ساختاری یا نهادی، از جنبه‌های نوآورانه این پژوهش محسوب می‌شود.

پژوهش با تمرکز بر سیاست‌های جمعیتی ایران، از منظر پیوند بین سیاست‌گذاری و اجرا و با در نظر گرفتن مجموعه پیچیده‌ای از عوامل محیطی، ساختاری، انگیزشی و فرهنگی، راهکارهای کاربردی برای بهبود تراز قدرت ملی از طریق سیاست‌های جمعیتی ارائه می‌دهد که این نوع تلفیق در ادبیات موجود کمتر دیده شده است (Ghaffari-Fard et al., 2023; Roustaei & Maghdasi, 2022).

این مطالعه با تاکید بر اهمیت ارزیابی منابع و امکانات اجرایی و پیش‌بینی‌های دقیق در طراحی سیاست‌ها سعی دارد فاصله بین تدوین سیاست‌های کلان و تحقق عملی آنها را کاهش دهد و به این ترتیب به حل مشکلات رایج در اجراهای سیاست‌های جمعیتی ایران کمک کند (Nourbakhsh, 2020; Abdali, 2019).

۳. روش تحقیق

این تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر روش آمیخته (کیفی - کمی) است. جامعه آماری تحقیق کلیه نخبگان، متخصصان و خبرگان آگاه در حوزه علوم سیاسی به‌ویژه اساتید دانشگاهی رشته علوم سیاسی بودند. معیار خبرگی افراد شامل حداقل ۱۰ سال سابقه تدریس دروس رشته علوم سیاسی، سابقه فعالیت در حوزه سیاست و شناخت کافی از سیاست‌های جمعیتی است. انتخاب نمونه تحقیق در بخش کیفی از نوع نمونه‌گیری غیر تصادفی از نوع گزینشی (روش نمونه‌گیری هدفمند و معیار اشباع نظری و از تکنیک نمونه افراد کلیدی (خبرگان) است. در این روش پژوهشگر با شناخت جامعه هدف تحقیق و با آگاهی، دست به انتخاب هدفمند نمونه مورد نظر تحقیق می‌زند. در تحقیق حاضر رویکرد هدفمند در انتخاب نمونه

کیفی تحقیق استفاده شد. انتخاب نمونه تحقیق در پژوهش‌های کیفی از نوع سطح اشباع و هدفمند است. ابتدا با انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته کیفی با خبرگان، داده‌های تحقیق با تحلیل مضمون تجزیه و تحلیل شدند.

در بخش کمی، براساس کدهای به دست آمده از بخش کیفی تحقیق، پرسشنامه بخش کمی تحقیق طراحی شد تا برازش مدل تحقیق بررسی شود. بررسی برازش مدل با استفاده از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری با رویکرد PLS انجام شد.

۴. یافته‌ها

پژوهشگر بعد از مطالعه داده‌های مربوط به مصاحبه‌ها، اقدام به کدگذاری کرد. به این شکل که بعد از خواندن هر بخش، در صورت وجود نکته‌ای خاص، یک یا چند کد به نکته اختصاص یافت. قبل از اقدام به کدگذاری برخی از مهم‌ترین گزاره‌های عنوان شده توسط مصاحبه‌شونده‌ها بررسی شد. اغلب مصاحبه‌شونده‌ها معتقد بودند «سیاست‌های جمعیتی در افزایش تراز قدرت ملی نقاط قوتی مانند افزایش جمعیت به عنوان پشتوانه استراتژیک، بهبود بهداشت، آموزش و توسعه اقتصادی و تقویت نیروی کار دارند، اما نقاط ضعف این سیاست‌ها شامل نادیده گرفتن الزامات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، بی‌توجهی به پایداری محیط‌زیست و ناکافی بودن امتیازات مادی تخصیص داده شده می‌شود». اغلب آن‌ها به این مسئله اشاره کردند که «فرهنگ‌سازی برای دستیابی به اندازه جمعیت در سطح مطلوب نیازمند اصلاح سیاست و نگرش هم مسئولان و هم مردم جامعه نسبت به پیامدهای منفی آن است». آنان معتقد بودند که «این مسئله به ترویج یک الگوی سبک زندگی مناسب نیاز دارد که با ترویج آن در فعالیت‌های اجتماعی، آموزشی و اقتصادی به نتایج مطلوب ختم شود».

برخی از مصاحبه‌شوندگان به نقش «اشتغال زنان همسو با معیارهای اسلامی و مصالح خانواده با سبک زندگی ایرانی اسلامی» و «ایجاد بستر مطلوب برای آن» اشاره داشتند «تا بتوانند علاوه بر اشتغال خود هرچه بهتر نقش مادری و همسری را نیز ایفا کنند». نکته مهم دیگر در متن مصاحبه‌ها توجه به «آمایش مداوم و مستمر جمعیتی کشور و همچنین تدوین سیاست‌های جمعیتی کارآمد با اصلاح وضعیت اقتصادی و تلاش برای ارتقای کیفی جمعیت کشور توسط متناسب‌سازی نرخ باروری خانواده‌ها با شرایط و اقتضائات سلامت، معیشت

و فرهنگ آن‌ها» بوده است. نتایج حاصل از مرحله اول کدگذاری (کدگذاری باز)، در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول ۱. کدگذاری مصاحبه‌ها و جدول خواندن متون

ردیف	مرجع مصاحبه	کدهای اولیه (مضمین اولیه)
۱		افزایش جمعیت به‌عنوان پشتوانه استراتژیک سیاسی
۲		آموزش و فرهنگ‌سازی در زمینه اهمیت سیاست‌های جمعیتی
۳		نیاز به تقویت نیروی کار
۴		توجه به پایداری محیط‌زیست و فراهم کردن بستر لازم برای آن
۵		اختصاص امتیازات مادی برای تشویق به فرزندآوری
۶		تسهیل ازدواج با رفع موانع اقتصادی
۷		تحکیم بنیان خانواده در جامعه
۸		بهبود وضعیت بهداشت باروری
۹		بهبود وضعیت بهداشت عمومی و همگانی
۱۰	مصاحبه ۱	ترویج سبک زندگی ایرانی-اسلامی
۱۱		تقویت مؤلفه‌های هویت‌بخش ملی
۱۲		فرهنگ‌سازی برای حفظ محیط‌زیست
۱۳		آمایش سرزمین
۱۴		کاهش مصرف انرژی و سوخت‌های فسیلی
۱۵		کاهش و کنترل تولید آلاینده‌ها
۱۶		ارائه آموزش به خانواده‌ها برای پرورش و تربیت صحیح فرزندان
۱۷		افزایش حضور زنان در بازار کار و اشتغال آن‌ها
۱۸		کاهش دشواری تأمین هزینه‌های فرزندان

ادامه جدول ۱. کدگذاری مصاحبه‌ها و جدول خواندن متون

ردیف	مرجع مصاحبه	کدهای اولیه (مضامین اولیه)	
۱۹	مصاحبه ۲	تأمین سلامت و تغذیه سالم جمعیت	
۲۰		اصلاح، تقویت و سازگار کردن نظامات تربیتی و آموزش‌های عمومی	
۲۱		بهبود وضعیت کارآفرینی و بسترسازی برای رشد آن	
۲۲		بازتوزیع فضایی و جغرافیایی جمعیت متناسب با ظرفیت زیستی	
۲۳		پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی	
۲۴		تأکید بر تأمین آب با هدف توزیع متعادل آن	
۲۵		کاهش فشار جمعیت جغرافیایی	
۲۶		کاهش میزان ابتلا به بیماری‌ها و دسترسی به داروهای مورد نیاز	
۲۷		ارائه آموزشی فنی حرفه‌ای و مهارتی متناسب با نیازهای جامعه	
۲۸		بهبود سیاست‌های حمایتی از فرزندآوری	
۲۹		توجه به پرورش استعدادها و ایجاد انگیزه برای آنان در جهت ایجاد اشتغال مؤثر و مولد	
۳۰		مدیریت مهاجرت به داخل و خارج هماهنگ با سیاست‌های کلی جمعیت	
۳۱		تدوین و اجرای سازوکارهای مناسب جمعیتی	
۳۲		زمینه‌سازی فرهنگی و اجتماعی برای کاهش سوانح منجر به مرگ	
۳۳		فرهنگ‌سازی برای احترام و تکریم سالمندان	
۳۴		ایجاد شرایط لازم برای تأمین سلامت و نگهداری از سالمندان در خانواده	
۳۵		مصاحبه ۳	پیش‌بینی سازوکار لازم برای بهره‌مندی از تجارب و توانمندی‌های سالمندان در عرصه‌های مناسب
۳۶			اتخاذ سیاست‌های لازم با هدف ارتقای امید به زندگی در جامعه
۳۷			انجام مطالعات مدون و مستمر جمعیت‌شناختی
۳۸			آمایش و پایش مستمر جمعیتی
۳۹			اصلاح سیاست و نگرش مسئولان به پیامدهای منفی افزایش جمعیت

ادامه جدول ۱. کدگذاری مصاحبه‌ها و جدول خواندن متون

ردیف	مرجع مصاحبه	کدهای اولیه (مضامین اولیه)
۴۰	مصاحبه ۴	اصلاح سیاست و نگرش مردم جامعه به پیامدهای منفی افزایش جمعیت
۴۱		آموزش و فرهنگ‌سازی برای توانمندسازی جمعیت شاغل
۴۲		ارائه آموزش‌های عمومی برای درک اهمیت دستیابی به اندازه جمعیت در سطح مطلوب
۴۳		فرهنگ‌سازی و ترویج الگوی سبک زندگی مناسب در فعالیتهای اجتماعی، آموزشی و اقتصادی
۴۴		اشتغال زنان همسو با معیارهای اسلامی و مصالح خانواده با سبک زندگی ایرانی - اسلامی
۴۵		مهیا کردن بستر اجتماعی و فرهنگی لازم برای زنان شاغل برای ایفای هرچه بهتر نقش مادری و همسری
۴۶		تدوین سیاست‌های جمعیتی کارآمد با اصلاح وضعیت اقتصادی
۴۷		تلاش برای ارتقای کیفی جمعیت کشور توسط متناسب‌سازی نرخ باروری خانواده‌ها با شرایط و اقتضانات سلامت، معیشت و فرهنگ آنها
۴۸		اعطای تسهیلات مسکن ارزان و همگانی
۴۹		رصد تحولات جمعیتی و نظارت دقیق بر آن
۵۰	پوشش خدمات بیمه‌ای برای درمان انواع ناباروری	
۵۱	آموزش و فرهنگ‌سازی برای کاهش سن ازدواج	
۵۲	مصاحبه ۵	در نظر گرفتن تسهیلات ویژه برای مادران در دوران بارداری و شیردهی
۵۳		پوشش هزینه‌های زایمان
۵۴		مقابله با ابعاد نامطلوب سبک زندگی غربی
۵۵		حفظ و جذب جمعیت در روستاها و مناطق مرزی
۵۶		ایجاد مراکز جمعیتی جدید به‌ویژه در جزایر و سواحل کشور
۵۷		تشویق ایرانیان خارج از کشور برای حضور و سرمایه‌گذاری در داخل و بهره‌مندی از توانایی آنان
۵۸		آموزش‌های عمومی درباره اصالت کانون خانواده و فرزندپروری
۵۹		تأکید بر آموزش مهارت‌های زندگی و ارتباطی

ادامه جدول ۱. کدگذاری مصاحبه‌ها و جدول خواندن متون

ردیف	مرجع مصاحبه	کدهای اولیه (مضامین اولیه)
۶۰		توسعه و تقویت نظام تأمین اجتماعی
۶۱		ارتقای اتحاد و همگرایی اجتماعی
۶۲		تدوین شاخص‌های بومی توسعه انسانی
۶۳	مصاحبه ۶	ارائه خدمات مشاوره‌ای بر مبنای فرهنگ و ارزش‌های اسلامی - ایرانی
۶۴		انجام پژوهش‌های جمعیتی و توسعه انسانی
۶۵		مشارکت مسنونان و ذی‌نفعان
۶۶		نظارت بر اجرای دقیق و کارآمد سیاست‌های جمعیتی
۶۷		کاهش هزینه‌های اعمال سیاست‌ها
۶۸	مصاحبه ۷	استفاده از ابزارهای سیاستی داوطلبانه و مردمی به جای ابزارهای اجباری و قهری
۶۹		ثبات سیاسی
۷۰		بهبود وضعیت اعتبار ملی
۷۱		ارتقای سطح تولید ناخالص داخلی
۷۲	مصاحبه ۸	ارتقای درآمد سرانه مردم
۷۳		رونق کشاورزی و کاهش وابستگی به واردات
۷۴		ارتقای وضعیت امنیت مردم در جامعه
۷۵		بهبود زیرساخت‌های حمل‌ونقل و ترافیک
۷۶	مصاحبه ۹	مدیریت سامانه‌های حمل‌ونقل
۷۷		بهره‌گیری از مدیران مجرب در تدوین سازوکارهای جمعیتی
۷۸	مصاحبه ۱۰	حمایت سیاسی از رونق تکنولوژیکی و توسعه فناوری
۷۹		اصلاح ایدئولوژی سیاسی
۸۰	مصاحبه ۱۱	مدیریت بهینه کنترل و کاهش آلودگی هوا
۸۱	مصاحبه ۱۲	اتحاد و همبستگی بین مدیران ارشد کشوری
۸۲	مصاحبه ۱۳	مدیریت وضعیت مهاجرت و جلوگیری از خروج نخبگان

طبق جدول (۱) در مرحله کدگذاری باز تعداد ۸۲ کدباز یا مضمون اولیه استخراج شد. در مرحله بعدی و مرحله کدگذاری انتخابی، کدهای محوری دسته‌بندی شدند تا مضامین فراگیر نیز شناسایی شوند. نتایج به‌دست آمده از این دو مرحله، در جدول (۲) ارائه شده است.

جدول ۲. نتایج مراحل کدگذاری محوری و انتخابی برای شناسایی مضمون‌های محوری و فراگیر

مضمون‌های اصلی (فراگیر)	مضمون‌های محوری (سازمان‌دهنده)	کدهای باز (مضمون‌های اولیه)
الزامات مدیریتی، اقتصادی	الزامات سیاسی	افزایش جمعیت به‌عنوان پشتوانه استراتژیک سیاسی
		بهبود سیاست‌های حمایتی از فرزندآوری
		مدیریت مهاجرت به داخل و خارج هماهنگ با سیاست‌های کلی جمعیت
		تدوین و اجرای سازوکارهای مناسب جمعیتی
		اتخاذ سیاست‌های لازم با هدف ارتقای امید به زندگی در جامعه
		اصلاح سیاست و نگرش مسئولان نسبت به پیامدهای منفی افزایش جمعیت
		مشارکت مسئولان و ذی‌نفعان
		نظارت بر اجرای دقیق و کارآمد سیاست‌های جمعیتی
		کاهش هزینه‌های اعمال سیاست‌ها
		استفاده از ابزارهای سیاستی داولت‌بانه و مردمی به جای ابزارهای اجباری و قهری
		ثبات سیاسی
		بهبود وضعیت اعتبار ملی
		حمایت سیاسی از رونق تکنولوژیکی و توسعه فناوری
		اصلاح ایدئولوژی سیاسی
الزامات مدیریتی		بهبود زیرساخت‌های حمل‌ونقل و ترافیک
		مدیریت سامانه‌های حمل‌ونقل
		بهره‌گیری از مدیران مجرب در تدوین سازوکارهای جمعیتی
		مدیریت بهینه کنترل و کاهش آلودگی هوا
		اتحاد و همبستگی بین مدیران ارشد کشوری
		مدیریت وضعیت مهاجرت و جلوگیری از خروج نخبگان

ادامه جدول ۲. نتایج مراحل کدگذاری محوری و انتخابی برای شناسایی مضمون‌های محوری و فراگیر

مضمون‌های اصلی (فراگیر)	مضمون‌های محوری (سازمان‌دهنده)	کدهای باز (مضمون‌های اولیه)
الزامات مدیریتی و سیاسی، اقتصادی	الزامات اقتصادی	نیاز به تقویت نیروی کار
		اختصاص امتیازات مادی برای تشویق به فرزندآوری
		تسهیل ازدواج با رفع موانع اقتصادی
		افزایش حضور زنان در بازار کار و اشتغال آن‌ها
		کاهش دشواری تأمین هزینه‌های فرزندان
		بهبود وضعیت کارآفرینی و بسترسازی برای رشد آن
		توجه به پرورش استعدادها و ایجاد انگیزه برای آنان در جهت ایجاد اشتغال مؤثر و مولد
		اشتغال زنان همسو با معیارهای اسلامی و مصالح خانواده با سبک زندگی ایرانی اسلامی
		تدوین سیاست‌های جمعیتی کارآمد با اصلاح وضعیت اقتصادی
		اعطای تسهیلات مسکن ارزان و همگانی
		در نظر گرفتن تسهیلات ویژه برای مادران در دوران بارداری و ش‌پردی
		پوشش هزینه‌های زایمان
		تشویق ایرانیان خارج از کشور برای حضور و سرمایه‌گذاری در داخل و بهره‌مندی از توانایی آنان
		ارتقای سطح تولید ناخالص داخلی
ارتقای درآمد سرانه مردم		
رونق کشاورزی و کاهش وابستگی به واردات		
الزامات آموزشی، فرهنگی و اجتماعی	الزامات آموزشی	آموزش و فرهنگ‌سازی در زمینه اهمیت سیاست‌های جمعیتی
		ازانه آموزش به خانواده‌ها برای پرورش و تربیت صحیح فرزندان
		اصلاح، تقویت و سازگار کردن نظامات تربیتی و آموزش‌های عمومی
		ارائه آموزشی فنی حرفه‌ای و مهارتی متناسب با نیازهای جامعه
		آموزش‌های عمومی درباره اصالت کانون خانواده و فرزندپروری
		آموزش و فرهنگ‌سازی برای توانمندسازی جمعیت شاغل
		ارائه آموزش‌های عمومی برای درک اهمیت دستیابی به اندازه جمعیت در سطح مطلوب
		آموزش و فرهنگ‌سازی برای کاهش سن ازدواج
تأکید بر آموزش مهارت‌های زندگی و ارتباطی		

ادامه جدول ۲. نتایج مراحل کدگذاری محوری و انتخابی برای شناسایی مضمون‌های محوری و فراگیر

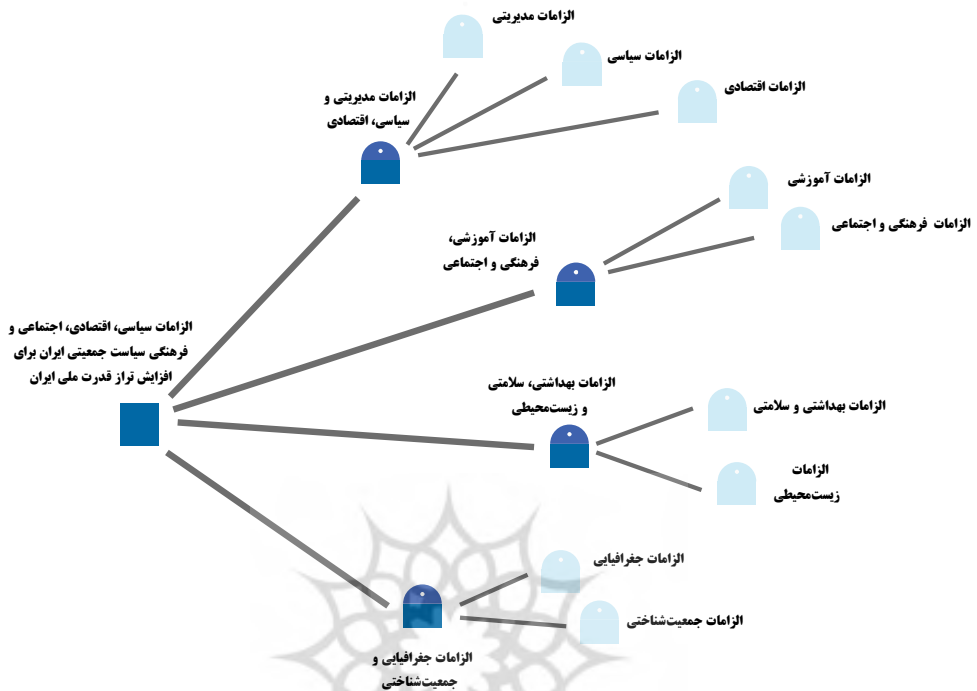
مضمون‌های اصلی (فراگیر)	مضمون‌های محوری (سازمان‌دهنده)	کدهای باز (مضمون‌های اولیه)
الزامات آموزشی، فرهنگی و اجتماعی	الزامات فرهنگی و اجتماعی	تحکیم بنیان خانواده در جامعه
		ترویج سبک زندگی ایرانی-اسلامی
		تقویت مؤلفه‌های هویت‌بخش ملی
		پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی
		زمینه‌سازی فرهنگی و اجتماعی برای کاهش سوانح منجر به مرگ
		فرهنگ‌سازی برای احترام و تکریم سالمندان
		ایجاد شرایط لازم برای تأمین سلامت و نگهداری از سالمندان در خانواده
		پیش‌بینی سازوکار لازم برای بهره‌مندی از تجارب و توانمندی‌های سالمندان در عرصه‌های مناسب
		اصلاح سیاست و نگرش مردم جامعه نسبت به پیامدهای منفی افزایش جمعیت
		فرهنگ‌سازی و ترویج الگوی سبک زندگی مناسب در فعالیتهای اجتماعی و آموزشی
		مهیا کردن بستر اجتماعی و فرهنگی لازم برای زنان شاغل جهت ایفای هرچه بهتر نقش مادری و همسری
		تلاش برای ارتقای کیفی جمعیت کشور توسط متناسب‌سازی نرخ باروری خانواده‌ها با شرایط و اقتضانات سلامت، معیشت و فرهنگ آن‌ها
		مقابله با ابعاد نامطلوب سبک زندگی غربی
		ارتقای اتحاد و همگرایی اجتماعی
		تدوین شاخص‌های بومی توسعه انسانی
ارائه خدمات مشاوره‌ای بر مبنای فرهنگ و ارزش‌های اسلامی-ایرانی		
الزامات بهداشتی، سلامتی و زیست‌محیطی	الزامات بهداشتی و سلامتی	ارتقای وضعیت امنیت مردم در جامعه
		بهبود وضعیت بهداشت باروری
		بهبود وضعیت بهداشت عمومی و همگانی
		تأمین سلامت و تغذیه سالم جمعیت
		کاهش میزان ابتلا به بیماری‌ها و دسترسی به داروهای مورد نیاز
		پوشش خدمات بیمه‌ای برای درمان انواع ناباروری
توسعه و تقویت نظام تأمین اجتماعی		

ادامه جدول ۲. نتایج مراحل کدگذاری محوری و انتخابی برای شناسایی مضمون‌های محوری و فراگیر

مضمون‌های اصلی (فراگیر)	مضمون‌های محوری (سازمان‌دهنده)	کدهای باز (مضمون‌های اولیه)
الزامات بهداشتی، سلامتی و زیست‌محیطی	الزامات زیست‌محیطی	توجه به پایداری محیط‌زیست و فراهم کردن بستر لازم برای آن
		فرهنگ‌سازی برای حفظ محیط‌زیست
		کاهش مصرف انرژی و سوخت‌های فسیلی
		کاهش و کنترل تولید آلاینده‌ها
		تأکید بر تأمین آب با هدف توزیع متعادل آن
الزامات جمعیت‌شناختی	الزامات جغرافیایی	آمایش سرزمین
		بازتوزیع فضایی و جغرافیایی جمعیت متناسب با ظرفیت زیستی
		کاهش فشار جمعیت جغرافیایی
		حفظ و جذب جمعیت در روستاها و مناطق مرزی
		ایجاد مراکز جمعیتی جدید به‌ویژه در جزایر و سواحل کشور
الزامات جمعیت‌شناسی	الزامات جمعیت‌شناسی	انجام مطالعات مدون و مستمر جمعیت‌شناختی
		آمایش و پایش مستمر جمعیتی
		انجام پژوهش‌های جمعیتی و توسعه انسانی
		رصد تحولات جمعیتی و نظارت دقیق بر آن

در شکل (۱) خروجی مدل طراحی شده توسط نرم‌افزار مکس کیودا ارائه شده است.

همان‌طور که بیان شد تعداد خبرگان در بررسی روایی پرسشنامه تحقیق ۵ نفر بود بنابراین برای تایید روایی، میزان شاخص CVR سوالات باید بیشتر از ۰/۶۲ می‌بود. براساس نتایج جدول (۳) مشخص شد روایی ابعاد پرسشنامه تحقیق به علت دارا بودن شاخص CVR بیشتر از ۰/۶۲ مورد تایید است.



شکل ۱. الگوی کیفی حاصل از کدگذاری با روش تحلیل مضمون

جدول ۳. نتایج بررسی روایی ابعاد پرسشنامه

مقدار CVR	متغیر مفهومی انسانی و مطالعات فرهنگی
۰/۶۴	الزامات مدیریتی و سیاسی، اقتصادی
۰/۷۳	الزامات آموزشی، فرهنگی و اجتماعی
۰/۷۶	الزامات بهداشتی، سلامتی و زیست محیطی
۰/۶۴	الزامات جغرافیایی و جمعیت شناختی
۰/۶۸	روایی کلی (الزامات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سیاست جمعیتی ایران برای افزایش تراز قدرت ملی ایران)

جدول ۴. نتایج بررسی پایایی ابعاد پرسشنامه

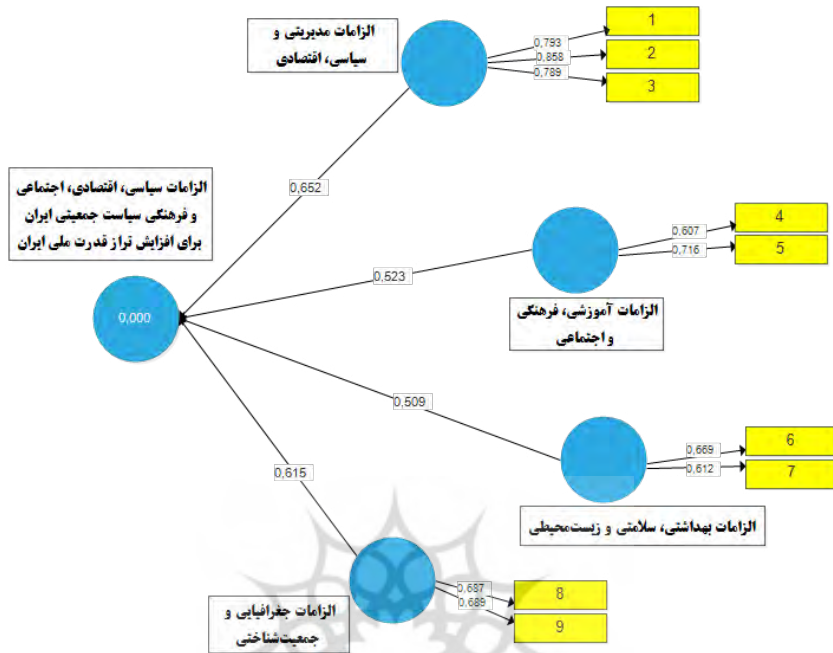
ضریب آلفای کرونباخ	متغیر
۰/۷۸	الزامات مدیریتی و سیاسی، اقتصادی
۰/۸۱	الزامات آموزشی، فرهنگی و اجتماعی
۰/۷۳	الزامات بهداشتی، سلامتی و زیست محیطی
۰/۷۹	الزامات جغرافیایی و جمعیت‌شناختی
۰/۷۴	روایی کلی (الزامات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سیاست جمعیتی ایران برای افزایش تراز قدرت ملی ایران)

نتایج ارزیابی پایایی نشان داد مقادیر آلفای کرونباخ ابعاد پرسشنامه بیشتر از ۰/۷۰ است بنابراین پایایی ابعاد پرسشنامه تحقیق تایید شد (جدول ۴).

جدول ۵. نتایج سنجش وضعیت نرمال بودن توزیع داده‌های مربوط به متغیرهای مدل تحقیق

آماره آزمون	سطح معنی‌داری	متغیر
۰/۸۵۹	۰/۰۰۳	الزامات مدیریتی و سیاسی، اقتصادی
۰/۶۵۱	۰/۰۱۲	الزامات آموزشی، فرهنگی و اجتماعی
۰/۳۶۹	۰/۰۲۴	الزامات بهداشتی، سلامتی و زیست محیطی
۰/۳۳۶	۰/۰۶۱	الزامات جغرافیایی و جمعیت‌شناختی
۰/۵۲۴	۰/۰۰۸	توزیع داده‌های کل

براساس اطلاعات موجود در جدول (۵) از آنجاکه سطح معناداری متغیرها کمتر از ۰/۰۵ است بنابراین فرض نرمال نبودن داده‌های پرسشنامه‌های تحقیق رد می‌شود بنابراین متغیرهای مورد مطالعه در این پژوهش دارای توزیع نرمال نیستند و می‌توان برای تجزیه و تحلیل آن‌ها از آزمون‌های ناپارامتریک مانند آزمون مدل‌سازی معادلات ساختاری با رویکرد PLS استفاده کرد. شکل (۲)، مدل معادلات ساختاری و نمودار مسیر مدل ساختاری تحقیق را نشان داده است.



شکل ۲. مدل ساختاری (کمی) پژوهش

جدول ۶. نتایج به دست آمده برای شاخص های اشتراک (CV Com) و افزونگی (CV Red)

CV Red	CV Com	متغیر
۰/۳۵۰	۰/۳۵۰	الزامات مدیریتی و سیاسی، اقتصادی
۰/۴۳۷	۰/۴۳۷	الزامات آموزشی، فرهنگی و اجتماعی
۰/۰۹۳	۰/۰۹۳	الزامات بهداشتی، سلامتی و زیست محیطی
۰/۱۰۷	۰/۱۰۷	الزامات جغرافیایی و جمعیت شناختی
۰/۲۵۸	۰/۲۶۳	الزامات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سیاست جمعیتی ایران برای افزایش تراز قدرت ملی ایران

نتایج جدول (۶) نشان داد شاخص ها مثبت و بزرگ تر از صفر هستند بنابراین اعتبار مدل ساختاری تحقیق نیز تایید شد. همچنین نتایج به دست آمده از روش مدل سازی معادلات ساختاری نشان داد الزامات جغرافیایی و جمعیت شناختی به میزان ۶۱ درصد (۰/۶۱۵) در الزامات

سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سیاست جمعیتی ایران برای افزایش تراز قدرت ملی ایران تأثیر دارد. از سوی دیگر، الزامات مدیریتی سیاسی و اقتصادی با ۶۶ درصد (۰/۶۶۲) دارای بیشترین تأثیرگذاری در وضعیت تراز قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران براساس سیاست‌های جمعیتی است.

۵. نتیجه‌گیری

در این پژوهش تأثیر سیاست‌های جمعیتی در وضعیت تراز قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران بررسی شد. براساس نتایج تعداد ۸۲ مضمون اولیه استخراج شد که پس از مراحل بعدی کدگذاری، تعداد ۹ مضمون سازمان‌دهنده (محوری) شامل الزامات سیاسی، الزامات مدیریتی، الزامات اقتصادی، الزامات آموزشی، الزامات فرهنگی و اجتماعی، الزامات بهداشتی و سلامتی، الزامات زیست‌محیطی، الزامات جغرافیایی و الزامات جمعیت‌شناسی شناسایی شدند. همچنین تعداد ۴ مضمون فراگیر (اصلی) شناسایی شد که عبارت بودند از الزامات مدیریتی و سیاسی، اقتصادی، الزامات آموزشی، فرهنگی و اجتماعی، الزامات بهداشتی، سلامتی و زیست‌محیطی و الزامات جغرافیایی و جمعیت‌شناختی. همچنین نتایج بخش کمی نشان داد مدل تحقیق از برآزش مناسب برخوردار است و الزامات جغرافیایی و جمعیت‌شناختی به میزان ۶۱ درصد (۰/۶۱۵) در الزامات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سیاست جمعیتی ایران برای افزایش تراز قدرت ملی ایران تأثیر دارد همچنین الزامات مدیریتی سیاسی و اقتصادی با ۶۶ درصد (۰/۶۶۲) دارای بیشترین تأثیرگذاری در وضعیت تراز قدرت ملی است.

این یافته‌ها همسوی با نتایج تحقیق الهی و دیگران (۲۰۲۴) نشان دادند ایران در شرایط نوینی از تجارب جمعیتی و متغیرهای مربوط به آن است که می‌تواند در برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت آن تأثیری مثبت بگذارد. در این بین، نوع نگاه و تحلیل درست متصدیان امر امنیت باید به گونه‌ای باشد که ازدیاد نرخ جمعیت بتواند به مثابه تضاعف سرمایه‌های اجتماعی، در راستای قدرت ملی و نشان دادن ابعاد آن در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی تعریف شود. در حقیقت، داده‌های جمعیتی به عنوان اولوی بی‌بدیل و اثرگذار در قدرت ملی باید در قلمروهای امنیتی و سیاسی در جهت امن‌سازی کشور مورد توجه قرار گیرد.

از سوی دیگر، همسوی با نتایج تحقیق حاضر نتایج تحقیق اسلامی و فرخاری (۲۰۲۳) نشان داد ابزار و سیاست‌های تشویقی و تنبیهی اعمال شده نیز به جهت ناکافی بودن، ناکارآمدی و

نقض حقوق شهروندی سودبخش واقع نخواهند شد. در این زمینه نتایج تحقیق حاضر نشان داد در طراحی چهارچوب سیاست‌گذاری جمعیتی بومی در کشورمان، وظیفه حکومت این است که گروه‌های متعدد ذی‌مدخل در موضوع را به مشارکت بطلبد تا در نهایت بتواند منافع همه آن‌ها را دست‌کم تا حدی تأمین کند و راهکارهایی نیز برای کاهش هزینه‌های اعمال سیاست‌ها بیندیشد. همچنین باید تا جای ممکن از ابزارهای سیاستی داوطلبانه و مردمی به جای ابزارهای اجباری و قهری استفاده کرد، اما در نهایت باید توجه داشت که مسئله فرزندآوری از مسائلی است که تا زمانی که مردم برای انجام سیاست‌های مربوط بدان اقتناع نشوند، گامی بر نمی‌دارند، حتی اگر حکومت ابزارهای تشویقی گوناگونی را در اجرای سیاست تدبیر کرده باشد بنابراین حکومت باید تدابیر روشنی برای اقناع مردم و امید به آینده جامعه فراهم کند تا مردم نیز با این سیاست‌ها همراه شوند. همسو با یافته‌های بوث و کروتر (۲۰۰۵)، در این تحقیق می‌توان نتیجه گرفت اثرپذیری سیاست‌های جمعیتی از پیشینه اقتصادی و فرهنگی جامعه مسئله‌ای است که نقش مهمی در تراز قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران دارد.

جدا از موارد فوق، همان‌طور که نای و گلداسمیت (۲۰۱۱) در کتاب مطرح خود بیان کردند قدرت به‌عنوان یک ویژگی یا وضعیتی بررسی می‌شود که توانایی یک نهاد، یک کشور یا یک جامعه را برای تحقق اهداف و تأثیرگذاری در رویدادها و تصمیم‌گیری‌ها نشان می‌دهد. این توانایی می‌تواند از جنبه‌های مختلفی مانند نظامی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و فناوری باشد و نقش جمعیت و تحولات جمعیتی در قدرت و توانمندی کشورها باید بیش‌ازپیش مدنظر دولت‌ها و مسئولان کشوری قرار گیرد بنابراین طبق نتایج تحقیق حاضر می‌توان گفت برای دستیابی به تراز قدرت ملی در سطح مطلوب لازم است الزامات شناسایی شده در زمینه سیاست‌های جمعیتی در تحقیق حاضر به‌طور کامل مورد توجه مسئولان کشوری قرار گیرد و با عنایت به این الزامات، جمهوری اسلامی ایران را در راستای دستیابی به تراز قدرت ملی شایسته خود کمک کنند.

براساس نتایج حاصل از این پژوهش، آموزش و فرهنگ‌سازی در زمینه اهمیت سیاست‌های جمعیتی، ارائه آموزش به خانواده‌ها برای پرورش و تربیت صحیح فرزندان، اصلاح، تقویت و سازگار کردن نظامات تربیتی و آموزش‌های عمومی، ارائه آموزشی فنی حرفه‌ای و مهارتی متناسب با نیازهای جامعه، بهبود سیاست‌های حمایتی از فرزندآوری، مدیریت مهاجرت به

داخل و خارج هماهنگ با سیاست‌های کلی جمعیت و تدوین و اجرای سازوکارهای مناسب جمعیتی پیشنهاد می‌شود.

باتوجه به ماهیت پژوهش کیفی تحلیل مضمون و لزوم انجام جلسات و مصاحبه‌های رودررو و مستقیم با شرکت‌کنندگان در تحقیقات، محدودیت‌های اصلی تحقیق غالباً در زمینه دسترسی به خبرگان و تنظیم اوقات ملاقات با آنها بود، به طوری که دشواری بیش از حد پیش‌بینی شده در این زمینه رخ داد.

تعارض منافع

هیچ گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

References

- Aliei, M. V. (2015). The role of population and population policies in strengthening the internal power structure of the Islamic Republic of Iran. *Security Horizons*, 8(28), 107–133.
- Birdsall, N., Kelley, A. C., & Sinding, S. W. (2023). *Population matters: Demographic change, economic growth, and poverty in the developing world*. Oxford University Press.
- Booth, A., & Crouter, A. C. (2005). *The new population problem: Why families in developed countries are shrinking and what it means* (1st ed.). Lawrence Erlbaum Associates.
- Elahi, V., Bay, A., & Sadri, M. F. (2024). The relationship between population and national power in the Islamic Republic of Iran (with emphasis on religious teachings). *Fundamental and Applied Studies of the Islamic World*, 6(1), 1–24. [in Persian]
- Eslami, R., & Farrokhari, M. (2023). An analysis of the policy cycle of population growth in the Islamic Republic of Iran with a focus on the fourth period of population policies (Family and Youth Studies). *Social and Cultural Strategy*, 5(50), 1–30. [in Persian]
- Hindess, B. (2001). *Discourses of power from Hobbes to Foucault* (M. Younesi, Trans.). Shirazeh Publishing and Research. [in Persian]
- Khanjani, M., & Karegar, B. (2023). The role of population in generating national power and enhancing national authority. *Contemporary Iran Governance Studies*, 8(4), 35–54. [in Persian]
- Nijatian, M. H. (2022). Population count: A historical puzzle. *Iranian Demographers Association Quarterly*, 17(34), 7–37.
- Nodeh Farahani, E., Maqami, A., & Kazemi Taklimi, M. (2013). Features of optimal population policymaking in Iran. *Ma'refat*, 22(189), 11–24. [in Persian]

- Nye, J. S., & Goldsmith, J. L. (2011). The future of power. *Bulletin of the American Academy of Arts and Sciences*, 64(3), 45–52. <http://www.jstor.org/stable/41149419>
- Sbdali, M. (2019). *The role of influential groups in public policy formulation and implementation*. Research Institute of Public Policy. [in Persian]
- Ghaffari-Fard, M., Shadman, M., & Hosseini, S. (2023). Future-oriented policy-making in demographic issues: Challenges and opportunities. *Journal of Iranian Population Studies*, 12(2), 45–67. [in Persian]
- Haghshenas, A. (2012). *General population policies in the Islamic Republic of Iran: History and contemporary challenges*. Cultural Studies Press. [in Persian]
- Khanjani, M., & Kargar, A. (2023). National strategies for population growth and family support in Iran: Policy analysis. *Journal of Social Policy*, 9(1), 89–110. [in Persian]
- Nourbakhsh, R. (2020). *The challenges of policy implementation: A study of demographic policies in Iran*. University Press. [in Persian]
- Roustaei, H., & Maghdasi, M. (2022). The implementation gap in population policies: The case of Iran. *Journal of Public Administration*, 18(3), 123–145. [in Persian]
- Rezazadeh Jalali, P. (2014). The role of media in explaining Iran's population policy. *Journal of News Sciences*, 10, 127–139. [in Persian]
- Tanha, S. (2022). Lifestyle changes and demographic transitions: Comparative studies in postmodern societies. *Comparative Social Research*, 5(4), 77–95. [in Persian]